

توسعه انسانی، چالش‌ها و چشم‌اندازها (با نگاهی تحلیلی به شاخص‌های توسعه انسانی در ایران)

دکتر محمدرضا پورمحمدی*

نادر زالی**

چکیده

به دنبال تغییر و تحولات اساسی دهه‌های اخیر در مفاهیم توسعه و رویکردهای مبتنی بر عدالت اجتماعی، سازمان ملل متحد با ابتکار تهیه گزارش‌های توسعه انسانی سالانه برای تمام کشورها، چارچوب فکری نوینی در ادبیات توسعه تحت عنوان «توسعه انسانی» شکل داده که در سطح بین‌المللی از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار شده و در اکثر مواقع ملاک عمل و تصمیم‌گیری در بین سیاستمداران، تصمیم‌گیران و پژوهشگران قرار گرفته است. بر همین اساس مقاله حاضر سعی دارد با بررسی تحولات مفهوم توسعه، شاخص‌های توسعه انسانی ایران را در سال ۱۳۸۱ مورد تحلیل قرار داده و با بررسی نقاط ضعف و قوت این شاخص‌ها در سطح کشور، راهکارهای مناسب برای بهبود این شاخص‌ها را ارائه کند. روش مورد استفاده در بررسی حاضر، روش معمول سازمان ملل در محاسبه شاخص‌های توسعه انسانی است با این تفاوت که به جای سرانه تولید ناخالص داخلی، از سرانه هزینه خانوار استفاده شده و به همراه دو شاخص امید به زندگی و سطح آموزش مورد تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: توسعه، شاخص‌های توسعه، توسعه اجتماعی، توسعه انسانی

* دانشیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز
** کارشناس ارشد شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان

مقدمه

مفهوم توسعه و توسعه یافتگی، تقریباً در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، بر مبنای ضرورت‌های بازسازی در کشورهای آسیب‌دیده از جنگ در جهان متداول شده است. از آن زمان تاکنون مدل‌ها و الگوهای گوناگونی برای دستیابی به توسعه پیشنهاد شده و به تدریج درک و فهم جوامع از مفهوم توسعه دچار تحول گردیده و روبه‌تکامل گذاشته است (www.takado.ir). تا دهه ۱۹۷۰ رشد اقتصادی با پیشرفت متغیرهای کمی اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه، سنجیده می‌شد ولی به تدریج با تشدید مسائلی همچون فقر، بیکاری و نابرابری، حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی بالایی بودند، کاربرد متغیرهای اقتصادی به عنوان تنها عامل مؤثر در سنجش توسعه مورد تردید قرار گرفت و چگونگی توزیع منافع حاصل از رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، آموزش و سطح بهداشت جوامع، ابعاد دیگری از توسعه را مطرح ساخت که تحت عنوان «شاخص‌های توسعه انسانی» مورد توجه محافل علمی و بین‌المللی قرار گرفت.

درهم تنیدگی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی توسعه، ضرورت رویکرد یکپارچه به موضوع توسعه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. اگر افزایش تولید ناخالص داخلی در یک کشور با افزایش فقر، بیکاری، بیماری و نابرابری همراه باشد، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه به مفهوم واقعی در آن جامعه رخ نداده است.

زمانی که جوامع بشری در مراحل آغازین توسعه قرار داشتند منابع طبیعی نقش اساسی در توسعه و سازندگی ایفاء می‌کرد و میزان پیشرفت کشورها را سطح برخورداری آنها از منابع طبیعی و به دنبال آن احداث طرح‌های بزرگ اقتصادی تشکیل می‌داد، اما امروزه می‌توان گفت انسان محور توسعه است و توسعه انسانی نقش محوری را در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر عهده دارد (www.payam.co.ir). بر این اساس کشوری که قادر به افزایش دانش و آگاهی انسان‌ها باشد و راه درست بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را بیاموزد، در فرایند توسعه موفق تر خواهد شد. امروزه مزیت دسترسی به منابع طبیعی و موفقیت در رقابت‌های اقتصادی بین‌المللی، جای خود را به مزیت بهره‌مندی از نیروی انسانی محقق، خلاق و مبتکر داده است؛ نیرویی که قادر است منابع و امکانات لازم توسعه را بیافریند. به همین دلیل است که اقتصاد دانش‌محور^۱ برنامه اصلی اقتصادهای پیشرفته جهان و حتی برخی کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران

1. Human development index
2. Knowledge-base economy

است. بنابراین ابزار توسعه امروز را نه در کوه ها، دشت ها و اعماق زمین، که در مغز انسان ها باید جستجو کرد.

بیان مسئله

تحولات دهه های اخیر در فضای فرهنگی و اقتصادی کشور، نقش تعیین کننده ای در ترسیم سیمای واقع بینانه از توسعه انسانی در جمهوری اسلامی ایران داشته است. تحولات مذکور نشان می دهد که پیشرفت های قابل ملاحظه ای در بسط انتخابی شهروندان ایرانی صورت گرفته و در عین حال ظرفیت های نهفته بسیاری نیز برای بهبود توسعه انسانی وجود داشته و چالش های مهمی نیز فراسوی توسعه انسانی کشور قرار دارد. بر اساس نتایج آخرین گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۰۴، ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۳۲ در رتبه ۱۰۱ و در گروه کشورهای با توسعه انسانی متوسط قرار گرفته است. با این که ایران تا سال ۱۳۵۹ در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین طبقه بندی می شد (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۴۳)، ولی از سال ۱۳۶۰ به بعد با بهبود شاخص های توسعه انسانی، به گروه کشورهای دارای شاخص توسعه انسانی متوسط ارتقاء یافته و در سال های اخیر در رده های میانی این گروه جای گرفته است. به نظر می رسد آنچه که مهم است، تعادل و برابری مناطق مختلف کشور از نظر این شاخص ها است. تحقیقات انجام شده در این زمینه نشان می دهد میزان برخورداری از توسعه انسانی در استان های کشور نامتعادل و نابرابر است.

نتایج اولین گزارش ملی توسعه انسانی که در سال ۷۸ منتشر شده، بیانگر اختلاف حدود ۰/۳ در حداقل و حداکثر برخورداری از شاخص های توسعه انسانی است. استان تهران با شاخص معادل ۰/۸۴۲ رتبه اول و استان سیستان و بلوچستان با شاخص معادل ۰/۵۴۵ رتبه آخر را کسب کرده است. اختلاف این ارقام بیانگر میزان شکاف در توزیع امکانات و فعالیت ها در سطح کشور است.

مبانی نظری

چالش های توسعه پایدار^۱ بسیار پیچیده اند اما می توان با آنها رو در رو شد. هر کشور و جامعه ای باید در جهت تأمین مقتضیات توسعه اجتماعی و بهره برداری از محیط

زیست خود با توجه به میراث فرهنگی و وضع اکولوژیک خاص خود عمل کند. به نظر می‌رسد خودشناسی و آگاهی جامعه یکی از الزام‌های همیشگی این فرایند باشد. در واقع توسعه انسانی پایدار حاصل فرهنگ مشارکت است. هنگامی که هدف نهایی یک جامعه پایدار از لحاظ مالی و زیست محیطی بر محور توسعه باشد، همکاری میان سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و کارشناسان مبنایی را برای مشارکت لازم فراهم می‌آورد. توسعه انسانی پایدار طرفدار فقراء، طبیعت، اشتغال، دموکراسی، زنان و کودکان است (تیلر، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۳).

تیلر^۱ لازمه توسعه انسانی پایدار را تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان می‌داند و بر اهمیت حفظ محیط زیست برای رشد و پرورش سالم کودکان و نوجوانان تأکید می‌کند. از نظر وی توسعه انسانی پایدار دارای سه اصل مهم می‌باشد (همانجا: ۱۷-۱۴):

اصل اول: توسعه انسانی پایدار حاصل درک مستقل نیازها و منابع محلی است. هر جامعه باید با استفاده از روش‌های ساده، داده‌های مربوط به مشکلات و مسایل محلی خود را گردآوری کند تا بتواند اولویت‌های خود را تعیین کند. همچنین بسته به شرایط محلی، باید از تعداد جمعیت و توزیع آن، الگوهای کاربرد منابع طبیعی، ساز و کار اکوسیستم محلی، پتانسیل‌های اقتصادی، نیروهای بازار و متغیرهای توسعه اجتماعی مانند آموزش، بهداشت و وضعیت زنان، آگاهی کامل وجود داشته باشد.

اصل دوم: عمل باید حاصل ترکیب برنامه ریزی از پایین به بالا و از بالا به پایین باشد. برای تحقق این امر به آگاهانه‌ترین شکل، تصمیم‌گیری باید مبتنی بر یک گفت‌وگو سه جانبه فراگیر شامل مقام‌های دولتی و غیر دولتی، کارشناسان و صاحبان مهارت‌ها و نمایندگان مردم باشد.

اصل سوم: پایداری توسعه تنها هنگامی ممکن است که عمل، حاصل اتکای به خود و مشارکت جامعه باشد. مشارکت و توانمند شدن خانواده‌ها پیش شرط لازم برای یافتن راه‌حل‌های پایدار و قابل دوام برای توسعه پایدار است.

آمارتیاسن^۲ برنده جایزه نوبل علم اقتصاد، با طرح ایده «ظرفیت و کارکردهای انسانی»، پرورش و بسط استعدادهای انسانی را شرط لازم برای دستیابی به زندگی

بهبود دانسته و کلید توسعه را خود انسان و تبدیل پتانسیل های بالقوه وی به بالفعل دانسته است (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران ، ۱۳۷۸: پیشگفتار). عناصر اصلی در الگوی توسعه انسانی، بهره وری^۱، برابری، پایداری^۲ و توانمند سازی است. در قالب این الگو، بهره وری، مشارکت فعال مردم در فرایند درآمد زایی و اشتغال به شمار می آید. برابری، به امکان مساوی کسب قابلیت ها و فرصت به کارگیری آنها مربوط می شود. پایداری به مفهوم امکان ذخیره و جبران هر نوع سرمایه فیزیکی، انسانی و زیست محیطی است و توانمند سازی نیز به این معنی به کار رفته است که توسعه توسط مردم صورت گیرد (همانجا: ۳۴).

روش شناسی

بر اساس استانداردهای سازمان ملل، در تهیه شاخص توسعه انسانی از سه شاخص امید به زندگی در بدو تولد، سطح آموزش و سرانه تولید ناخالص داخلی استفاده می شود که داده های مورد نیاز برای تحلیل شاخص های فوق در سطح ملی قابل حصول بوده ولی در سطح منطقه ای که برای مناطق مختلف یک کشور محاسبه می شود حصول چنین اطلاعاتی به صورت کامل بخصوص در کشورهای جهان سوم بسیار مشکل است چرا که ریشه در ضعف ساماندهی اطلاعاتی این کشورها دارد. در این مقاله از روش معمول سازمان ملل در تهیه شاخص توسعه انسانی استفاده خواهد شد، با این تفاوت که به جای شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی استان ها از سرانه هزینه خانوار استفاده شده است.

شاخص توسعه انسانی شاخص ترکیبی و مرکب از سه نماگر به شرح زیر است:

- ۱- طول عمر، که با امید به زندگی در بدو تولد اندازه گیری می شود؛
- ۲- سطح آموزش که شامل میزان باسوادی بزرگسالان با ضریب $\frac{1}{3}$ و نرخ ثبت نام در کلیه مقاطع تحصیلی با ضریب $\frac{1}{3}$ است؛
- ۳- سطح زندگی قابل قبول و استاندارد که بر اساس سرانه تولید ناخالص داخلی (برحسب دلار) اندازه گیری می شود. در این مقاله از سرانه سالانه هزینه خانوار استفاده شده است.

برای تعیین این شاخص، اندازه حداقل و حداکثر برای هر یک از این نماگرها تعیین شده است که عبارتند از:

- امید به زندگی در بدو تولد: حداقل ۲۵ و حداکثر ۸۵ سال،
- میزان باسوادی بزرگسالان: حداقل ۰ و حداکثر ۱۰۰ درصد،
- نرخ ثبت نام ناخالص در کلیه مقاطع تحصیلی: حداقل ۰ و حداکثر ۱۰۰ درصد،

☑ سرانه سالانه هزینه خانوار: حداقل ۵۰۰۰۰۰۰ ریال و حداکثر ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال.
اندازه شاخص هریک از نماگرهای فوق‌الذکر (که با x_i نشان داده شده) طبق تعریف از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$x_i \text{ شاخص} = \frac{\text{اندازه حداقل } x_i - \text{اندازه واقعی } x_i}{\text{اندازه حداقل } x_i - \text{اندازه حداکثر } x_i}$$

در محاسبه شاخص توسعه انسانی برحسب جنسیت (GDI) نیز همان متغیرهای شاخص توسعه انسانی مورد توجه قرار می‌گیرند با این تفاوت که شاخص توسعه انسانی برحسب جنسیت، میزان موفقیت کشور در زمینه ارتقای امید به زندگی، دسترسی به آموزش و کسب درآمد بیشتر برای افراد جامعه را با توجه به اختلاف زنان و مردان در برخورداری از آنها نشان می‌دهد. همچنین شاخص توسعه انسانی برحسب جنسیت اندازه‌مقادیر حداکثر و حداقل امید به زندگی را بر پایه این واقعیت که زنان نسبت به مردان عمر طولانی‌تری دارند تعدیل می‌کند. از این رو، حداکثر و حداقل اندازه امید به زندگی برای مردان را به ترتیب ۲۲/۵ و ۸۲/۵ سال و اندازه‌های متناظر آنها برای زنان را ۲۷/۵ و ۸۷/۵ سال در نظر می‌گیرد.

محاسبه شاخص سهم درآمدی زنان و مردان نسبتاً پیچیده است. سهم نسبی درآمدی زنان و مردان با استفاده از اطلاعات آماری مربوط به نسبت متوسط دستمزد زنان به متوسط دستمزد مردان به دست می‌آید. در مواردی که اندازه نسبت متوسط دستمزد زنان به متوسط دستمزد مردان در دسترس نباشد، اندازه این نسبت برابر با ۰/۷۵۰ برای زنان در نظر گرفته می‌شود که متوسط موزون اندازه این نسبت در کشورهایی است که اندازه واقعی این نسبت را دارند (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۲۷۰).

شاخص‌های توسعه انسانی و وضعیت ایران

اخیراً برنامه عمران ملل متحد (UNDP) گزارش سال ۲۰۰۴ توسعه انسانی را منتشر کرد. این گزارش که بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۲ تنظیم شده، ۱۷۷ کشور جهان را بر اساس شاخص توسعه انسانی آنها طبقه‌بندی کرده و ۵۹ کشور را از نظر نیاز به دریافت کمک در اولویت قرار داده است. طبق نتایج این گزارش، نروژ برای چهارمین سال متوالی

رتبه اول را به دست آورده و سیرالئون مجدداً در ردیف آخر قرار گرفته است. سوئد، استرالیا، کانادا و هلند در رتبه های دوم تا پنجم جدول هستند. در این رده بندی، ایران در ردیف ۱۰۱ قرار دارد و ترکیه رده ۸۸ را به دست آورده است. ایران سال گذشته رتبه ۱۰۶ جدول را به خود اختصاص داده بود (UNDP, HDR 2004).

بر اساس نتایج به دست آمده از آخرین گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴، ایران با شاخص توسعه انسانی ۰/۷۳۲ در رتبه ۱۰۱ و در گروه کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط قرار گرفته است. هر چند مقایسه رتبه ایران در توسعه انسانی نشان می دهد که با وجود افزایش مقدار این شاخص، رتبه ایران از ۹۰ در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۹) به ۱۰۱ در سال ۲۰۰۴ (۱۳۸۳) نزول کرده است، ولی باید اذعان داشت که طی این دوره تعداد ۱۳ کشور به لیست محاسبات شاخص توسعه انسانی اضافه شده است که در برخی از موارد رتبه توسعه انسانی این کشورها بالاتر از ایران بوده است (UNDP, HDR 2004: 139-142).

از میان کشورهایی که رتبه آنها در گزارش سال ۲۰۰۴ بالاتر از جمهوری اسلامی ایران است، می توان بحرین (رتبه ۴۰)، عربستان سعودی (رتبه ۷۷)، ترکیه (رتبه ۸۸) و آذربایجان (رتبه ۹۱) را نام برد.

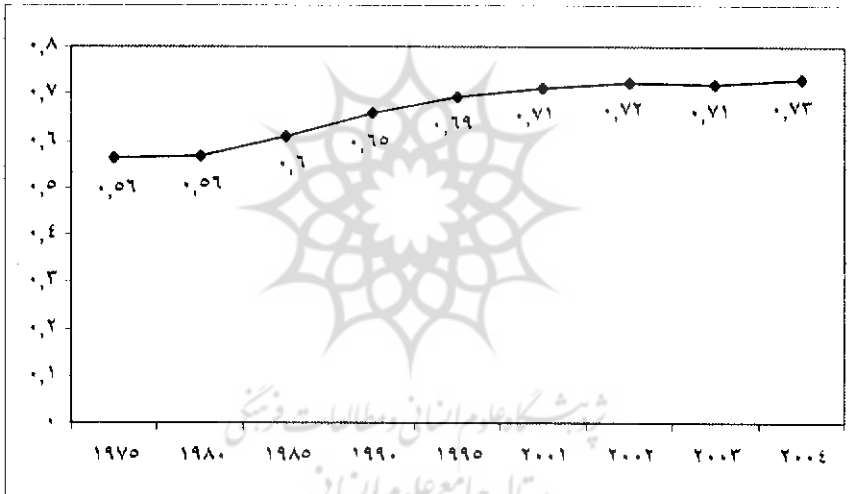
از سوی دیگر، اندونزی (رتبه ۱۱۱)، مصر (رتبه ۱۲۰)، هندوستان (رتبه ۱۲۷) و پاکستان (رتبه ۱۴۲) از جمله کشورهایی هستند که رتبه آنها در شاخص توسعه انسانی از ایران پایین تر است.

بالاترین مقدار شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۴ معادل ۰/۹۵۶ و متعلق به کشور نروژ بوده است. کشور سیرالئون یا شاخص معادل ۰/۲۷۳ کمترین شاخص توسعه انسانی را در سال ۲۰۰۴ به دست آورده است.

بر اساس نتایج گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۴، ۸۶ کشور یعنی نزدیک به ۴۹ درصد از کشورها دارای شاخص توسعه انسانی متوسط هستند که ایران نیز در همین گروه قرار گرفته است. کشورهای دارای توسعه انسانی بالا که دامنه مقدار شاخص مذکور در آنها بین حداقل ۰/۸۰۰ و حداکثر ۰/۹۵۶ محاسبه شده، سهمی برابر با ۳۱/۰۷ درصد از کشورهای جهان را در بر می گیرند. در گروه کشورهای با توسعه انسانی پایین ۳۶ کشور واقع شده اند که مقدار شاخص در آنها بین حداقل ۰/۲۷۳ و حداکثر ۰/۴۹۹ است. بر این اساس بیش از ۲۰ درصد کشورها در جهان دارای شاخص توسعه انسانی پایین هستند.

جدول ۱ - فراوانی کشورها برحسب سطوح شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۰۴ میلادی

سطوح توسعه انسانی	تعداد	درصد	دامنه شاخص
کشورهای دارای توسعه انسانی بالا	۵۵	۳۱/۰۷	(۰/۹۵۶ - ۰/۸۰۰)
کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط	۸۶	۴۸/۵۸	(۰/۷۹۹ - ۰/۵۰۰)
کشورهای دارای توسعه انسانی پایین	۳۶	۲۰/۳۳	(۰/۴۹۹ - ۰/۲۷۳)
جمع کل	۱۷۷	۱۰۰	(۰/۹۵۶ - ۰/۲۷۳)

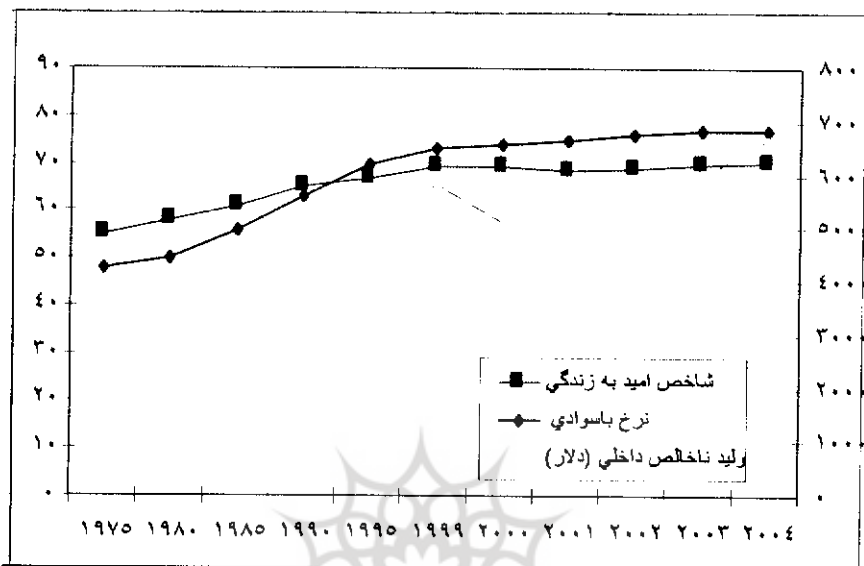


نمودار ۱ - روند تحولات شاخص‌های توسعه انسانی کشور در دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۴

تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی استان‌های کشور

تحولات سال‌های اخیر در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور بعد از خاتمه جنگ تحمیلی بر اساس برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، باعث تغییرات مثبت شاخص توسعه انسانی در کشور گردیده است؛ اگرچه این تغییرات در تمام استان‌های کشور به صورت یکسان نبوده ولی وجه مشترک اکثر استان‌ها روند صعودی این شاخص و ارتقای کیفیت زندگی در آنها است.

در مقاله حاضر ۲۸ استان کشور از نظر شاخص‌های توسعه انسانی در سال ۱۳۸۱ مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحقیق، از ۲۸ استان کشور ۱۹



نمودار ۲- روند تحولات شاخص های توسعه انسانی کشور در دوره ۱۹۷۵-۲۰۰۴

استان دارای تحول مثبت در شاخص توسعه انسانی و ۵ استان دارای رشد منفی در شاخص توسعه انسانی هستند؛ و ۴ استان که بعد از سال ۷۵ از سایر استان ها جدا شده اند دارای اطلاعات کافی برای مقایسه نبوده ولی از نظر شاخص توسعه انسانی در سطوح بالایی قرار دارند.

بیشترین شاخص توسعه انسانی در سال ۱۳۸۱ متعلق به استان تهران با شاخص معادل ۰/۸۰۱ و کمترین شاخص توسعه انسانی مربوط به استان سیستان و بلوچستان با شاخص معادل ۰/۴۸۶ می باشد. استان تهران در دوره های گذشته یعنی سال های ۶۵، ۷۰ و ۷۵ نیز به ترتیب با شاخص های ۰/۷۲۲، ۰/۷۳۲ و ۰/۷۹۸ رتبه اول توسعه انسانی را بین استان های کشور کسب کرده است و استان سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی در طول دوره های گذشته در پایین ترین رده های شاخص توسعه انسانی قرار گرفته اند.

شاخص امید به زندگی به عنوان یکی از مؤلفه های شاخص توسعه انسانی نیز در استان ها تفاوت های عمده ای را نشان می دهد. بیشترین میزان امید به زندگی در بین استان های کشور در سال ۸۱ مربوط به استان تهران ۷۰ سال و کمترین میزان امید به زندگی مربوط به استان سیستان و بلوچستان ۶۳/۳ سال بوده است، در حالی که متوسط این شاخص در سال ۸۱ برای کشور ۶۹ سال بوده است. استان های تهران، گیلان،

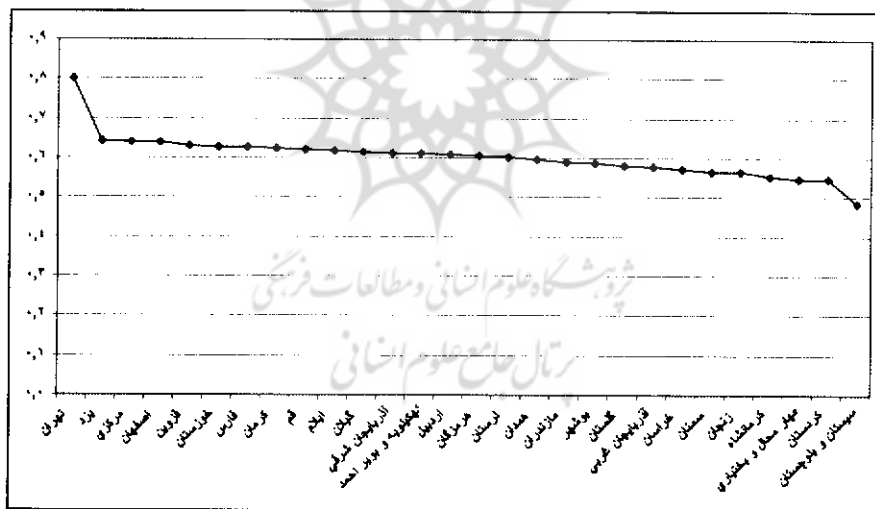
اصفهان، یزد و قزوین با بیشترین میزان امید به زندگی در بین استان‌ها، رتبه‌های ۱ تا ۵ را به خود اختصاص داده‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان با کمترین شاخص در پایین‌ترین رده‌های جدول قرار گرفته‌اند. میزان امید به زندگی استان آذربایجان شرقی نیز با $۶۷/۶$ سال و شاخص معادل $۰/۷۱$ در رتبه ۱۲ قرار گرفته است.

نگاهی کلی به تفاوت‌های امید به زندگی در استان‌ها حاکی است که بین استان سیستان و بلوچستان به عنوان پایین‌ترین امید به زندگی و استان تهران به عنوان بیشترین امید به زندگی، $۶/۷$ سال فاصله وجود دارد.

از نظر شاخص سطح آموزش و تحصیلات نیز استان تهران با شاخص معادل $۰/۷۰$ در سال ۱۳۸۱ و $۹۰/۴$ درصد باسوادی کماکان رتبه اول را به خود اختصاص داده و استان‌های یزد و اصفهان با فاصله کم در رتبه‌های بعدی جدول قرار دارند. استان سیستان و بلوچستان نیز با شاخصی معادل $۰/۵۲$ و نرخ باسوادی ۶۵ درصد، کمترین شاخص سطح آموزش کشور را در بین استان‌های کشور دارا بوده و در رتبه ۲۸ قرار گرفته است. نکته قابل توجه این که تفاوت بین حداقل شاخص سطح آموزش و حداکثر آن $۰/۱۸$ می‌باشد.

سرانه تولید ناخالص داخلی استان‌ها سومین مؤلفه شاخص توسعه انسانی است. با توجه به این که استخراج ارقام واقعی آن در سطح استان‌ها بسیار مشکل و در حقیقت غیر ممکن است لذا به جای آن در سطح استان‌ها از متوسط سرانه هزینه خانوارهای شهری و روستایی استفاده شده و شاخص مذکور استخراج گردیده است. از نظر شاخص سرانه هزینه خانوار نیز استان تهران با شاخصی معادل $۰/۹۵$ در صدر جدول و استان چهارمحال و بختیاری با شاخصی معادل $۰/۲۸$ در پایین‌ترین رده جدول قرار گرفته است. متوسط شاخص هزینه در کشور معادل $۰/۵۷$ می‌باشد که استان آذربایجان شرقی با شاخص معادل $۰/۵۱$ رتبه ۷ را به خود اختصاص داده است. استان‌های تهران، مرکزی، کرمانشاه، ایلام و کرمان بالاترین شاخص هزینه و استان‌های چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، زنجان، خراسان و سمنان از کم‌ترین شاخص هزینه سرانه خانوار برخوردار بوده و در پایین‌ترین رده‌های جدول جای گرفته‌اند. نگاه کلی به شاخص‌ها نشان دهنده شکاف عمیق درآمد و هزینه بین استان‌ها است. فاصله بین حداقل و حداکثر شاخص هزینه $۰/۶۶$ می‌باشد که حاکی از توزیع ناعادلانه درآمدها در سطح کشور است.

در مجموع، آنچه که از شاخص توسعه انسانی استان های کشور در سال ۸۱ استنباط می شود، عدم توجه به استان های محروم کشور با وجود اثبات وجود محرومیت در آنها در طول سالیان گذشته است. استان های سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی از استان هایی هستند که با وجود تغییرات اندکی در شاخص های توسعه انسانی همچنان فاصله بسیار زیادی با سایر استان های کشور دارند در مقابل تعداد اندکی از استان ها مثل تهران با شاخص توسعه انسانی بالا، فاصله نسبتاً زیادی با سایر استان ها ایجاد کرده اند. حدود ۱۵ استان کشور در فاصله بین شاخص ۰/۶ تا ۰/۷ قرار گرفته اند در صورتی که اختلاف بین حداقل شاخص توسعه انسانی و حداکثر شاخص توسعه انسانی استان ها در سال ۸۱ بیش از ۰/۳ می باشد.



نمودار ۳ - شاخص توسعه انسانی استان ها در سال ۸۱ به ترتیب نزولی

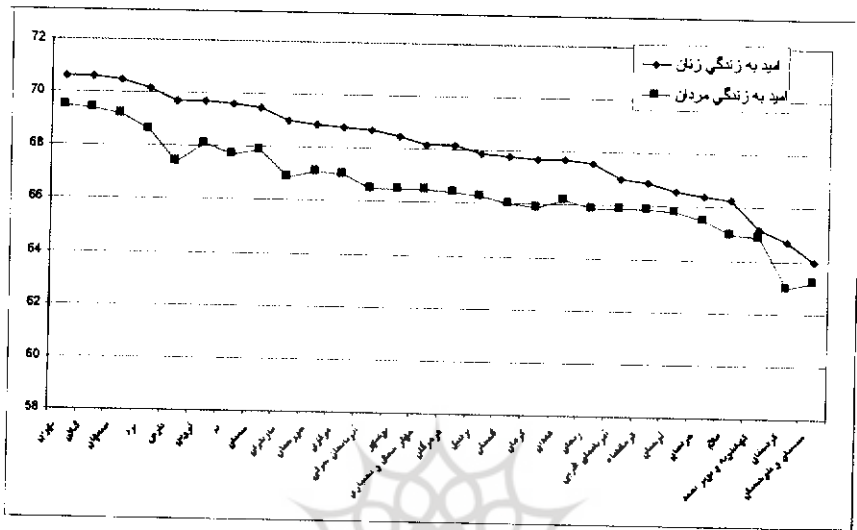
فاصله بین استان تهران و استان یزد به عنوان دومین استان در رده بندی شاخص توسعه انسانی بسیار زیاد بوده و معادل ۰/۱۵ می باشد در صورتی که تفاوت بین دومین استان و آخرین استان از نظر شاخص توسعه انسانی نیز معادل ۰/۱۵ می باشد. این فاصله حاکی از توزیع ناعادلانه امکانات زندگی و فرصت های درآمدزایی در متروپول تهران است. از اوایل دهه هفتاد میلادی توجه به نقش زن در توسعه جوامع و توانمند سازی آنان در ابعاد مختلف توسعه و مسئله رفع عقب ماندگی های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به

عنوان یک اولویت در سطح جهانی پذیرفته شد. مطالعات متعدد حاکی از آن است که امروزه زنان در ایران جایگاه و منزلتی به مراتب بهتر از سایر کشور های در حال توسعه و کشور های منطقه ای و اسلامی دارند شاخص های مربوط به میزان مشارکت زنان، مسایل بهداشتی، آموزشی و ... زنان مؤید این مطلب است (اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸: ۱۴۵).

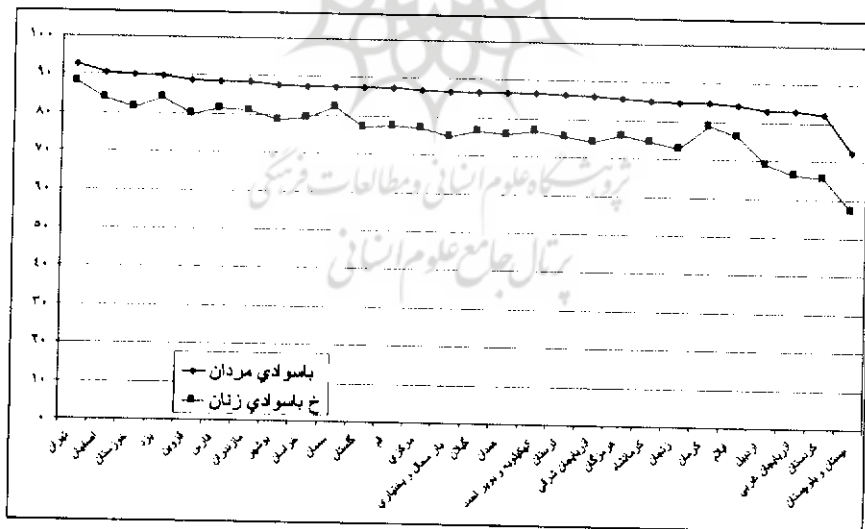
تحلیل شاخص های توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت در استان های کشور در سال ۸۱ نشان می دهد که متوسط امید به زندگی زنان در کشور ۷۰/۴ سال بوده در حالی که متوسط امید به زندگی مردان در همان سال برابر ۶۷/۶ سال بوده است. در سال ۸۱ در تمام استان ها بدون استثناء میزان امید به زندگی زنان بیشتر از امید به زندگی مردان بوده است. بیشترین فاصله امید به زندگی مردان و زنان، مربوط به استان های فارس ۲/۳ سال، آذربایجان شرقی ۲/۲ سال، مازندران ۲/۱ سال و بوشهر ۲ سال بوده و کمترین اختلاف فاصله در استان های کهگیلویه و بویراحمد با ۰/۳ سال، لرستان با ۰/۸ سال، سیستان و بلوچستان با ۰/۸ سال و خراسان با ۰/۹ سال بوده است در حالی که متوسط کشوری اختلاف امید به زندگی زنان و مردان ۲/۸ سال بوده است.

نمودار ۴ که بر اساس شاخص امید به زندگی زنان مرتب شده است، نشان دهنده وضعیت خوب امید به زندگی زنان نسبت به مردان است. به گفته معاون اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، افزایش دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و توسعه خدمات بهداشتی به مناطق روستایی از جمله عواملی هستند که در افزایش امید به زندگی تأثیر فراوانی داشته اند (هفته نامه خبری - تحلیلی برنامه، ۱۳۸۳: ۱۴).

از نظر نرخ باسوادی نیز اختلافات شدید است و از ۱۶/۷ درصد در استان آذربایجان غربی تا ۴/۸ درصد در استان تهران متفاوت است. به عبارت دیگر نرخ با سوادی زنان در استان آذربایجان غربی ۱۶/۷ درصد، سیستان و بلوچستان ۱۵/۱ درصد، اردبیل ۱۴ درصد، زنجان ۱۲ درصد و استان آذربایجان شرقی ۱۱/۸ درصد یا بین تر از نرخ باسوادی مردان است در حالی که این رقم در تهران ۴/۸ درصد، سمنان ۵/۳ درصد، یزد ۵/۷ درصد، کرمان ۵/۹ درصد، اصفهان ۶/۸ درصد و فارس ۷/۲ درصد است. جالب این که در هیچ کدام از استان ها نرخ با سوادی زنان بیشتر از مردان نیست.



نمودار ۴ - مقایسه امید به زندگی مردان و زنان در ۸۱ سال



نمودار ۵ - مقایسه نرخ باسوادی استان ها به تفکیک زن و مرد در ۸۱ سال

تحلیل های شاخص های توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت در استان های کشور نشان می دهد که استان های تهران، یزد، اصفهان و مرکزی هم، از نظر شاخص توسعه انسانی زنان و هم از نظر شاخص های توسعه انسانی مردان، رتبه های ۱ تا ۴ را به خود

اختصاص داده اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری و کردستان در پایین‌ترین رده‌های جدول رده‌بندی قرار دارند. حداقل شاخص توسعه انسانی برای زنان در سال ۸۱ معادل ۰/۴۳ در استان سیستان و بلوچستان و حداکثر آن معادل ۰/۷۱ در استان تهران بوده است. استان‌های یزد، اصفهان و مرکزی در رده‌های بعدی شاخص بالای توسعه انسانی زنان جای گرفته‌اند.

چالش‌ها و چشم‌اندازهای فرارو

پژوهش حاضر و بررسی ارقام مربوط به شاخص‌های توسعه، سیمای متفاوتی را از آنچه در چهار دهه گذشته اتفاق افتاده است ترسیم می‌کند. سیمایی که نشانگر بیم‌ها و هشدارها و در عین حال امیدهای جدید نسبت به آینده می‌باشد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که نقش عوامل اجتماعی شاخص توسعه انسانی در سال‌های اخیر مجدداً رو به افول نهاده است. بدون تردید رشد سریع شاخص‌های آموزشی و سلامت و بهداشت و درمان عمومی در سال‌های بعد از انقلاب مرهون توجه خاص نظام جمهوری اسلامی به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه و در نتیجه اختصاص منابع مالی عظیم به ارتقای زمینه‌های یاد شده می‌باشد. منابعی که در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون دچار محدودیت‌های قابل توجه گردیده و روند افزایش آن را با کندی مواجه کرده است.

آنچه در مطالعه و بررسی سیمای توسعه انسانی کشور در چهار دهه اخیر می‌توان مشاهده کرد بسط فضاهای قابلیت‌زا برای توسعه انسانی در کشور می‌باشد که در سایه آن جامعه ایرانی در ارتقای جایگاه خود از میان کشورهای با توسعه انسانی پایین به جرگه جوامع با توسعه متوسط موفقیت‌شایان توجهی را همپای بسیاری از کشورهای دیگر کسب نموده است.

ویژگی اصلی این ارتقاء در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی نقش اصلی افزایش درآمد ناخالص داخلی به دلیل اوج‌گیری درآمدهای سهل‌الوصول نفتی می‌باشد ولی مشخصه اصلی سیمای شاخص توسعه انسانی کشور در سال‌های بعد از انقلاب کاهش نقش درآمد سرانه (و حتی تبدیل آن به عامل منفی در برخی سال‌ها) و جهش نقش شاخص‌های مربوط به آموزش و شاخص‌های مربوط به سلامت و بهداشت و درمان به شمار می‌رود. ویژگی دیگر این دوران افزایش نرخ رشد شاخص‌های مختلف توسعه انسانی در مناطق محروم‌تر می‌باشد.

در زمینه شاخص‌های سلامت، بهداشت و درمان، اقدامات و برنامه‌های عظیم ملی، آثار خود را در جهش قابل توجه «امید به زندگی» در سال‌های بعد از انقلاب شده

است، ولی بالا رفتن هزینه های دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و درمانی در کنار کاهش سهم منابع تخصیص یافته به این بخش باعث توقف رشد و حتی رشد منفی در برخی از مناطق کشور گردیده است. بنابراین کاهش هزینه های یاد شده ظرفیت مهمی برای رشد شاخص توسعه انسانی به شمار می رود.

در ایران که بخش بزرگی از جمعیت آن زیر ۱۵ سال قرار دارد، توجه به امر آموزش در توسعه انسانی دارای اهمیت بسیار است. انتخاب بین آموزش پایه و آموزش متوسطه و عالی و نیز آموزش های فنی و حرفه ای و هماهنگ سازی نیازهای آموزشی کشور با تقاضای مؤثر در بازار کار در بعد ملی، جایگاه ویژه ای دارد. سیاست های اتخاذ شده از سوی دولت در زمینه آموزش، ارتقای بهداشت و سلامت و نیز افزایش تولید و سرمایه گذاری، هم از بعد ملی و هم از بعد منطقه ای دارای اهمیت اساسی است. بر همین اساس، ضروری است که گسترش کمی و کیفی فعالیت های آموزشی با توجه به نیازهای ملموس مناطق و همراه با گسترش بازار کار برای جذب آموزش دیدگان، به صورت متعادل صورت پذیرد تا ضمن بهره گیری از توانمندی های انسانی، امکان بسط انتخاب های انسانی و مشارکت آنها در امر توسعه کشور فراهم شود. از آنجا که یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر شاخص توسعه انسانی، نرخ باسوادی بزرگسالان است، گسترش فعالیت سواد آموزی به ویژه در مناطق روستایی و حوزه های کم درآمد شهری در ارتقای این شاخص دارای تأثیر شایانی خواهد بود.

نکته ای که در اتخاذ سیاست های مناسب برای توسعه انسانی لازم است مورد توجه خاص قرار گیرد، توجه به کیفیت سواد و آموزش و نیز کسب مدارج تحصیلی بالاتر است. تعریف ساده ای که در تفکیک باسواد و بیسواد از یکدیگر مورد استفاده قرار می گیرد، شاید به دلیل تحولات علمی جهان در آینده نزدیک متحول شود که در این صورت شاخص توسعه انسانی ایران را به شدت کاهش خواهد داد.

عدم توجه به این واقعیت اساسی می تواند تمرکز بر شاخص های توسعه انسانی را نیز به همان اندازه تمرکز بر شاخص های کمی در آمد و رشد اقتصادی به عامل نسیان سیاستگذاران نسبت به اهداف اصلی توسعه انسانی تبدیل کند. زمانی اندیشمندانی مانند سیرز^۱ (۱۹۶۹) تعجب خود را از معرفی جوامعی به عنوان جوامع توسعه یافته، که در آنها درآمد سرانه دو برابر شده ولی فقر و بیکاری و نابرابری افزایش یافته بود، مطرح می نمودند.

فهرست منابع

الف - منابع فارسی

- ─── (۱۳۸۲)؛ آمارگیری اشتغال و بیکاری سال ۸۱ ، تهران: مرکز آمار ایران.
- ─── (۱۳۸۲)؛ آمارگیری هزینه - درآمد خانوار شهری و روستایی سال ۱۳۸۱، تهران: مرکز آمار ایران.
- ─── احمدیان، امیر (۱۳۸۰)؛ «درجه توسعه یافتگی استان ها و همسازی ملی در ایران»، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره های ۱۰۹ - ۱۱۰.
- ─── (۱۳۸۰)؛ اولین گزارش توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۷۸، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ─── بهشتی ، محمد باقر (۱۳۸۲)؛ توسعه اقتصادی ایران ، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
- ─── پرخیده، ؟ (۱۳۸۰)؛ گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲ ، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، مرکز آمار ایران.
- ─── تیلر ، دانیل و کارل ای. تیلر (۱۳۷۸)؛ توسعه انسانی پایدار متکی به جامعه، ترجمه ناصر بلیغ، تهران: انتشارات توسعه روستایی.
- ─── حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۲)؛ برنامه ریزی ناحیه ای، تهران: انتشارات سمت.
- ─── زالی، نادر (۱۳۷۹)؛ «سطح بندی توسعه منطقه ای: استان آذربایجان شرقی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ─── (۱۳۸۳)؛ سالنامه آماری کشور سال ۱۳۸۱، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- ─── صارم ، علی و سیروس نیک اقبال (۱۳۷۹)؛ شاخص های توسعه انسانی در استان کهگیلویه و بویر احمد و کشور، یاسوج: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کهگیلویه و بویر احمد.
- ─── کهن، گوئل (۱۳۷۶)؛ شاخص شناسی در توسعه پایدار، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

- ریزی کشور، مرکز آمار ایران، نماگرهای آماری ایران.
ملک محمدی ، بهروز (۱۳۷۸): شاخص های توسعه انسانی استان آذربایجان شرقی، تبریز: سازمان برنامه و بودجه آذربایجان شرقی.

ب - منابع خارجی

- Noorbakhsh, F. (1998); "A Modified Human Development Index", **World Development**, Vol. 26, No3.
www.takado.ir/framwork.jsp?sid=208.
www.payam.co.ir/journal/farsi/majaleh/35/20-35.htm.
Sharbatogli, Ahmad (1991); **Urbanization and Regional Disparities in Postrevolutionary Iran**, Westview Press.
Tsoro, Johnson (2000); **Measuring Human development in Botswana**, www.bispa.bwjohnson.htm.
UNDP, HDR (2004); <http://www.undp.org>.



شروہ شکار علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی